

خلاصه:

موضوع این رساله قلمرو دین (اسلام) است قلمرو دین، یعنی حدود تأثیرگذاری و هدایت دین، در عرصه‌های گوناگون حیات مادی و معنوی، دنیوی و اخروی و پاسخ نظری است به جدای دین از دنیا، که ادعای اصلی سکولاریزم است. مسأله‌ی قلمرو دین در جامعه علمی و دانشگاهی در جمهوری اسلامی ایران، شاید یک پژوهش نوین به شمار نیاید، زیرا: دین پژوهان و پژوهشگران پیرامون آن و موضوعات همسان و همسنگ با آن اثرهای متنوع نگاشته‌اند، ولی این موضوع و انتظارات بشر از دین، با ویژگی مذکور، به ویژه این که می‌تواند مقدمه لازم برای مقابله با سکولاریزاسیون و مدعیان انتظارات حداقلی از دین به عنوان مقوله تاریخی و اجتماعی باشد؛ در محافل علمی و آکادمیک در دانشگاه‌ها و پوهانتون افغانستان امروز، یک پژوهش نوین، جدی و جدید، به شمار می‌آید؛ از این رو، می‌توان این اثر را گامی در حد توان بر پایه مسؤلیت‌های فراهم آمده از سوی دین و دینداری، و پاسخی به اقتضای جامعه دینی در افغانستان و دین پژوهان آن کشور دانست.

در این تحقیق به تبیین و تعیین این که دین، برای آبادانی دنیایی مردم چه تدبیر اندیشیده و در عرصه‌های علوم و معارف انسانی، و شاخه‌های از علوم تجربی چه نقشی ایفا نموده است. و حدود توانایی‌ها و هدایت‌های آن تا چه میزان بوده پرداخته شده است و در نتیجه به خوبی روشن شده که اهداف و قلمرو دین، معرفی سعادت انسان بوده و در این راستا تمام آگاهیهای لازم را برای شناساندن سعادت واقعی و تکامل انسان داده است.

با توجه به گسترده‌گی گستره دین (این موضوع) مطالب این رساله از شش فصل متنوع تشکیل می‌شود:

فصل نخست در بردارنده کلیات و طرح تحقیق است: تعریف دین، ضرورت آن، پیشینه ی بحث،

فصل دوم به طرح و بررسی رویکردهای دین پژوهی به ویژه قلمروشناسی دین، می‌پردازد: بعد از آن که خاستگاه‌ها و دلیل‌های رویکرد برون‌متون دینی - تنها - را به نقد و بررسی می‌نشیند، به ارزیابی مدل‌ها و دلیل‌های رویکرد درون‌متون دینی پرداخته و آیات و روایات مربوط به آن را بررسی می‌کند، آنگاه به این نتیجه می‌رسد که یگانه روش مطلوب و پسندیده روش تلفیقی است. چرا که: از یک سو، از طریق مراجعه به آیات و روایات و دسته‌بندی و طبقه‌بندی آنها به خوبی درمی‌یابیم که متون دینی، به مسایل بی‌شماری از امور دنیای پرداخته‌اند، یعنی یا صراحتاً یا ضمناً و کنایتاً و یا به صورت ارائه یک طرح کلی، در باب انسان‌شناسی و جهان‌شناسی گفتگو کرده است. و همچنین از قوانین حاکم بر جوامع انسانی، از روان‌شناسی انسانها، از مسایل بعد الطبیعی، اخلاقی، و از احکام حقوقی و عادی، خلاصه از علوم و معارف متنوعی سخن گفته است. از سوی دیگر، ما پیش از رجوع به دین، از دین انتظار داریم، که سعادت واقعی ما را به ما معرفی کند، یعنی از دین انتظار می‌رود این شناخت را ولو به نحو اجمال معرفی کند؛ چرا که دل‌بستن به سعادت واقعی منوط به شناختن و باورد کردن جهانی خاص است. با شناختن سعادت واقعی و آگاهی از نقشه کلی هستی، بشر برخی از مقدمات لازم برای وصول به این سعادت را می‌تواند تشخیص دهد و می‌تواند قدرت عقلانی خویش بر تأمین آن مقدمات را بسنجد، طبعاً مواردی از این مقدمات که در توان درک او نیست از دین توقع دارد که به او، بشناساند و برخی از مقدمات را نیز عقلی بشری اصلاً نمی‌شناسد، که دین باید معرفی کند، و آن دسته را که می‌شناسد در تأیید آن دوباره به متون نیازمند است.

بنابراین می‌توان گفت راه شناخت منطقی دین به عنوان یک پدیده و تبیین و تعیین قلمرو دین همان

راه است که در هر پدیده متد اول است و آن، روش تلفیقی است از اینجا می‌توان ادعا کرد که بحث

رویکردشناسی این مسأله دقیقترین بحثی بوده که تاکنون انجام شده است.

فصل سوم به تحلیل متون و منابع تأثیرگذار در این پژوهش، می‌پردازد، یکی از دغدغه‌های مهم که در این رساله برای نگارنده مطرح بود شناخت منابع و متون تأثیرگذار بوده است چون که دین پژوهان در باب انتظارات بشر از دین و بررسی اهداف و قلمرو دین، وقتی بحث می‌کردند، یا نگاه‌شان معطوف به قلمر «کتاب و سنت» بود، یا مقصودشان قلمرو «عقل و نقل» بوده است. و این نگاه دوگانه باعث می‌شد: که یا انتظارات حداقلی از دین داشته باشند یا انتظارات حداکثری، چنانکه سکولاریستها بدون شناخت و آگاهی کامل از متون دین اسلام، با تکیه بر متون ادیان دیگر، که قلمرو دنیایی ندارند، گرفتار افراط و تفریط می‌شدند، پس بحث از منابع و متون تأثیرگذار در قلمرو دین، نه تنها اهمیت فی نفسه دارد، بلکه اهمیت و ضرورت بحث از رویکردها نیز وابسته به این بوده است، از این رو ما کوشیدیم در حد توان در باب آن گفتگو کنیم؛ از آنجایی که «قرآن و سنت» یکی از منابع و متون تردیدناپذیر دین، بین دین پژوهان به ویژه داعیان قلمروی حداقلی و حداکثری از دین بوده است، از آن بحث کردیم و نگاه خویش را تنها به منبع (عقل) که همواره مورد تردید و احیاناً مورد غفلت و بی‌مهری برخی قرار گرفته است، معطوف داشتیم. درباره این منبع باطنی و درونی دین، در جان انسان، به دو شیوه بحث ممکن بود.

اولاً: از جنبه‌های مختلفی همچون: بررسی معانی، قابلیت‌ها، قلمرو آن در حوزه‌های علوم و معارف گوناگون، و همچنین به کارکردها و نقش آن در حوزه هست و نیست‌ها با عقل نظری، و در حوزه بایدها و نبایدها با عقل عملی نگریده می‌شد.

ثانیاً: به بررسی دیدگاه‌های که از راه شناخت متون و منابع دینی به تبیین و تعیین قلمرو دین پرداخته‌اند، اشاره شده و بعد از مقایسه و شناخت دیدگاه‌ها به نقد و ارزیابی برخی از آنها پرداخته، و آنگاه دیدگاه برگزیده روشن می‌شد. که در این رساله کوشش بر آن شد و تا از هر دو شیوه‌ی یاد شده بهره

برداری شود، و سرانجام دیدگاه مورد نظر برگزیده شود. بنابراین شاید بتوان گفت: یکی دیگر از نو آوریهای که در ساختار این رساله و ذهن و افکار دین پژوهان تأثیرگذار خواهد بود مسأله یاد شده است. در فصل چهارم قلمرو دین از راه بررسی نیاز بشر به دین و ضرورت بعثت انبیاء تعیین شده است دیدگاههای جامعه شناسانه‌ای حکیمان پاسخی دیگری می‌تواند به ادعای اصلی سکولاریزم و مدعیان انتظارات حداقلی از دین باشد؛ زیرا: حکیمان از طریق نیاز اجتماعی بشر به دین، به گونه‌ی استدلال نموده‌اند که نه تنها اهداف و قلمرو دین را محدود به حدود سعادت اخروی نمی‌دانند، بلکه تحقق عدالت اجتماعی و تشکیل جامعه انسانی را بر مبنای قوانین عادلانه و عالمانه دینی برجسته‌تر نشان داده‌اند، تا آنجایی که این ادعا واکنش برخی دینداران را مبنی بر سست شدن ایمان متدینین بر مبنای استدلال مذکور، برانگیخته است.

بنابراین، دین اهداف، قلمرو و کارکرد دنیای نیز دارد. و همچنین متکلمان با نگاه آخرت‌گرایانه استدلال کرده‌اند ولی با توجه به عمومیت تکلیف، بر شمردن فواید دین، آثار و ثمرات آن، در زندگی دنیایی بشر تکیه کرده‌اند، و چون حیات اخروی، منفک و جدای از دنیا نمی‌باشد و دنیا کشتزار آخرت است، و آخرت تجلی و نتایج رفتار دنیایی است پس دیدگاه فیلسوفان و متکلمان ناظر به هر دو بعد حیات انسان و بر محور سعادت واقعی او، می‌چرخد.

با توجه به اهمیت این فصل پس از بررسی رویکردها و شناختن متون و منابع تأثیرگذار در دین، ما تنها به رویکرد برون متون دینی اکتفا نکردیم، بلکه از طریق مراجعه به آیات و روایات که روشن‌کننده اهداف و قلمرو دین در زندگی اجتماعی و فردی، دنیوی و اخروی است اشاره کردیم و به خوبی روشن شد که عدالت و آزادی، تشکیل جامعه انسانی، و حکومت دینی بر مبنای آن، یکی از قلمروهای دینی به شمار می‌آید. از این رو، با بر شمردن آیاتی بی شماری و با الهام از تفسیر زیبایی علامه طباطبایی زمینه

پاسخگویی به رابطه دین و دنیا فراهم شده است و آنگاه چنین نتیجه گرفته شد:

اولاً: پیامبران برای تکامل روح انسان آمدند. نه برای دنیا یا آخرت انسان.

ثانیاً: دنیا و آخرت ظروف تکامل روح انسان می‌باشد. در دنیا انسانها به تکامل می‌رسند یا سقوط می‌کنند و در آخرت نتایج آن را می‌بینند.

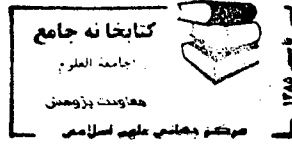
ثالثاً: حیات اخروی نتیجه حیات دنیوی است لذا برای آماده سازی آخرت باید دنیای بشر نیز بر اساس قوانین و ارزشهای الهی ساخته و پرداخته شود تا به سعادت واقعی و کمال نایل آیند.

در فصل پنجم جا داشت که به تبیین قلمرو دین، در عرصه انسان‌شناسی بپردازد؛ چون: انسان‌شناسی دینی و نیازشناسی واقعی، هدف آفرینش، شناخت حیات واقعی انسان، و دانستن روح فناپذیر انسان، که در قلمرو دین جایگاه ویژه‌ای دارد، و از سوی دیگر روابط چهارگانه‌ی انسان (رابطه انسان با خودش رابطه انسان با خدا، رابطه انسان با هم‌نوعان، رابطه انسان با طبیعت) که در چارچوب افعال اختیار آنان «قلمرو آن چنان که باید» زمانی می‌تواند معنا یابد که بدانند از چه گوهری وجود برخوردار است و هدف آفرینش او چیست؟ و حیات واقعی و سعادت ابدی او چگونه تأمین می‌شود، تمام این مباحث در قلمرو دین در عرصه‌ای انسان‌شناسی وابسته است که بدان پرداخته شده است. و در نتیجه روشن شده است که اهداف و قلمرو دین تنها رابطه انسان با خدا نبوده بلکه رابطه انسان با دیگران و طبیعت نیز در متن دین بدان تکیه شده است. آیاتی متعددی مؤید این ادعاست.

در فصل ششم به نظر می‌رسید که قلمرو دین از راه شناخت رابطه علم و دین تبیین و تعیین شود؛ چون: پرسش‌های زیر مجموعه‌ی قلمرو دین به لحاظ اهمیت، به ترتیب: از رویکردشناسی به منبع‌شناسی این پژوهش، و از شناخت قلمرو اخروی و دنیای و سعادت واقعی، به تکامل انسان، و راهای رسیدن به این تکامل، در قلمرو افعال اختیاری انسان و شناخت روابط چهارگانه او ختم می‌شد؛

اکنون به نظر می‌رسد که ملاکهای دینی بودن علوم روشن شود. و بدانیم که قلمرو دین در عرصه‌ی علوم چیست؟ و تا کجا است؟ ولو به نحوه یک قاعده کلی دانسته شود که ملاک دینی شمردن علوم کدام‌اند؟ از این رو، به بررسی دیدگاه‌های دین پژوهان معاصر درباره ارزیابی ملاکهای مذکور پرداخته شد و تأثیر هدایت دین در عرصه‌های علوم روشن گردید، آنگاه به فهرستی از آیات اشاره شد که یا صراحتاً یا به دلالت التزامی و کنایه آمیز، و یا با بیان قاعده کلی و مایه‌های اصلی علوم و معارف می‌تواند به عنوان اصول و پیش فرض خوبی دینی برای عالمان علوم انسانی و تجربی قرار گیرد و در این راستا، به قلمروهای زیاد و انتظارات خوبی دینی برسیم.

در مجموع نتیجه این فصل چنین است که در پاره‌ای از علوم تجربی و بسیاری از علوم انسانی می‌توان قلمرو حد اعتدالی برای دین ثابت کرد و در برخی دیگر قلمرو حداقلی از دین، و در موارد تنها هدایت‌های جزئی توقع می‌رود.



مرکز جهانی علوم اسلامی

مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته فقه و معارف اسلامی

موضوع

قلمرو دین

استاد راهنما:

حجت الاسلام محمد فتحعلی خانی

استاد مشاور:

حجت الاسلام دکتر علی عباسی

نگارنده:

محمد قاسم الیاسی

سال ۱۳۸۴

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی

شماره ثبت: ۶۷۸

تاریخ ثبت:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به:

پیشگاه پیامبر بزرگوار حضرت محمد بن عبدالله (ص) که نه تنها من بلکه تمام انسان‌های حقیقت‌جو و معناگرا، حیات روحانی خویش را وامدار اویند. و به مادرم؛ بانوی فداکاری که علی‌رغم محنت‌ها و عسرت‌ها با عصاره‌ی جانش، مرا پرورد و در کودکی با دین و دین دینی آشنا کرد. و تقدیم به تمامی کسانی که در این روزگار شب‌آئین و پراز توهم و تردید، بدنال ریشه‌های غیبی و نورانی انسانند. ریشه‌هایی که از آب‌شخور دین تغذیه می‌کنند و توان می‌گیرند و می‌بالند و بوستان خرم خدا را هم در ملک و هم در ملکوت پدید می‌آورند.

با تقدیر فراوان از:

استاد ارجمند جناب حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمد فتحعلی خانی که با راهنمایی‌های مغتنم و راهگشای خویش این جانب را در فراهم کردن این رساله یاری کرده‌اند.

و استاد ارجمند جناب حجة الاسلام و المسلمین دکتر علی عباسی که با مشورت‌های مفید و ارزنده‌شان بر من و این رساله منت نهاده و حق یافته‌اند. و مسئولین محترم مدرسه‌ی عالی فقه و معارف اسلامی بویژه بخش تحصیلات تکمیلی و امور پایان نامه که زمینه‌ی پژوهش و نگارش را فراهم ساخته و هزینه‌های مادی این اثر را پرداخته‌اند.

چکیده:

قلمرو دین (اسلام) که موضوع این رساله است؛ یعنی حدود تأثیرگذاری و هدایت دین، در عرصه‌های گوناگون حیات مادی و معنوی، دنیوی و اخروی، پاسخی نظری است به جدایی دین از دنیا، که ادعای اصلی سکولاریزم است و در عین حال مقدمه لازم برای مقابله با سکولاریزاسیون و مدعیان انتظارات حداقلی از دین به عنوان مقوله‌ای تاریخی و اجتماعی.

در این تحقیق به تبیین و تعیین این که دین، برای آبادانی دنیایی مردم چه تدبیر اندیشیده و در عرصه‌های علوم انسانی و شاخه‌هایی از علوم تجربی چه نقشی ایفاء نموده است و حدود توانایی‌ها و هدایت‌های آن تا چه میزان بوده پرداخته شده است و در نتیجه به خوبی روشن شده که اهداف و قلمرو دین، معرفتی سعادت انسان بوده و در این راستا تمام آگاهی‌های لازم را برای شناساندن سعادت واقعی، و رساندن بشر (را) به کمال برای او، داده است. با توجه به گستردگی موضوع گستردی دین، مطالب این رساله از شش فصل متنوع تشکیل می‌شود: فصل نخست دربردارنده کلیات و طرح تحقیق است: تعریف دین، ضرورت آن، پیشینه‌ی بحث، بیان اهداف و فرضیه‌ها است.

فصل دوم به طرح و بررسی رویکردهای دین پژوهی بویژه قلمروشناسی دین، می‌پردازد: بعد از آن که خواستگاه‌ها و دلیل‌های روش برون متون دینی - تنها - را به نقد و بررسی می‌نشیند، به ارزیابی مدل‌ها و دلیل‌های رویکرد درون متون دینی پرداخته و آیات مربوط به آن را بررسی می‌کند. آنگاه به این نتیجه می‌رسد که یگانه روش مطلوب و پسندیده، روش تلفیقی است.

فصل سوم به تحلیل متون و منابع تأثیرگذار در این پژوهش، می‌پردازد، چون «قرآن و سنت» از متون و منابع مهم و مورد پرسش اصلی این رساله است جای تردید در آن نیست، لذا بدان پرداخته نمی‌شود، اما در باره عقل از جنبه‌های مختلفی همچون: بررسی معانی، قابلیت‌ها و قلمرو آن در حوزه‌های علوم و معارف گوناگون نگریسته شده و نقش آن محدود به حدود عقل عملی، و بیان کشف ملازمه بین حکم عقل و نقل توسط عقل نظری، و کارکرد برهان در تبیین مسأله **روشن‌بینی** و در اخیر به بررسی و ارزیابی دیدگاه‌های مهم در این باره پرداخته شده و دیدگاه برگزیده تعیین گردیده است.

در فصل چهارم قلمرو دین از راه بررسی نیاز بشر به دین و ضرورت بعثت انبیا تعیین می‌شود. دیدگاه‌های جامعه‌شناسانه‌ی حکیمان و آخرت‌گرایانه متکلمان با نگاه برون متون دینی و اهداف و قلمرو دین با تکیه بر آیات و روایات با نگاه درون متون دینی بررسی می‌شود. همچنین نقش دین در آگاهی دادن به انسان

در زندگی اجتماعی و فردی، دنیوی و اخروی و رابطه دین و دنیا تعیین و پاسخی مناسب به ادعای سکولاریزم داده شده است.

در فصل پنجم به انسان‌شناسی دینی و نیازشناسی واقعی، هدف آفرینش، حیات واقعی انسان و روابط چهارگانه‌ی او (روابط با خود، با خدا، با خلق و با طبیعت) پرداخته شده و با کمک از آیات و روایات اهداف دین در موارد مزبور به خوبی روشن شده است.

فصل ششم از راه شناخت رابطه‌ی علم و دین و بیان ملاک‌های دینی بودن علوم با بررسی دیدگاه‌های دین پژوهان معاصر، بحث شده است و تأثیر و هدایت دین در عرصه علوم، با استناد به فهرستی از آیات روشن شده است. در مجموع نتیجه‌ی این فصل چنین است که در پاره‌ای از علوم انسانی و تجربی می‌توان انتظار حد اعتدالی از دین داشت و در برخی دیگر، انتظار حداقلی، و در مواردی تنها هدایت‌های جزئی توقع می‌رود.

فهرست مطالب

۱	فصل اول: کلیات و طرح تحقیق
۲	۱. سابقه و ضرورت انجام تحقیق
۳	۲. تعریف موضوع:
۳	۳. پرسش‌های تحقیق:
۴	۴. فرضیه‌ها:
۵	۵. هدف‌ها:
۵	۶. روش انجام تحقیق:
۵	۷. سرفصل‌های تحقیق:
۸	فصل دوم: روش‌ها و رویکردهای قلمروشناسی دین
۹	۱. اهمیت روش‌شناسی
۱۰	۲. طرح رویکردها و جایگاه آن:
۱۱	۳. بررسی رویکرد برون‌متون دینی (خصاستگاه‌های آن):
۱۲	۳-۱. عقل‌گرایی
۱۲	۳-۲. انسان‌محوری
۱۲	۳-۳. تقدم فاعل‌شناسایی بر متعلق‌شناسایی
۱۳	۳-۴. هرمنوتیک فلسفی (رویکرد برون‌متون دینی متأثر از هرمنوتیک فلسفی)
۱۳	نقد و بررسی
۱۵	۴. ادله رویکرد برون‌متون دینی
۱۶	۴-۱. نقد و بررسی دلیل اول

۱۸	۴-۲. دلیل دوّم
۱۸	نقد و بررسی
۲۲	۴-۳ دلیل سوّم:
۲۳	نقد و بررسی
۲۵	۵. رویکرد درون متون دینی
۳۳	۶. رویکرد تلفیقی
۳۴	فصل سوّم: تأثیر شناخت منابع دین در شناخت قلمرو آن
۳۵	۱. جایگاه و جریان‌گاه بحث
۳۸	۲. ضرورت شناخت تفسیرهای گوناگون در عقل
۴۰	۳. پیشینه و پویایی عقل در عرصه‌ی علم اصول
۴۳	۴. قابلیت‌های گوناگون عقل
۴۳	۵. عقل در لغت
۴۳	۶. عقل در قرآن
۴۵	۷. عقل در روایات
۴۸	۸. عقل نظری
۴۸	۹. عقل عملی
۴۹	۱۰. قلمرو عقل در حوزه‌های علوم و معارف اسلامی
۵۰	۱۱. جایگاه عقل
۵۲	۱۲. جریان‌گاه حسن و قبح عقلی در عرصه کلام اخلاق و اصول فقه
۵۴	۱۳. حسن و قبح عقلی مورد پذیرش اصولین
۵۴	۱۴. نگاه اصولین بدان
۵۸	۱۵. دیدگاه‌های متفاوت درباره‌ی تبیین و تعیین قلمرو دین از راه شناخت منابع دین
۵۹	۱۵-۱. دیدگاه اول
۶۱	ارزیابی

۶۲ ۱۵-۲. دیدگاه دوم
۶۵ ۱۵-۳. دیدگاه سوم
۶۶ ۱۵-۴. دیدگاه چهارم
۶۸ ارزیابی
۷۳ ۱۵-۵. دیدگاه برگزیده در تبیین و تعیین قلمرو دین
۷۵ ۱۶. وظیفه‌ی وحی در قبال عقل
۷۶ ۱۷. چکیده‌ی مطالب
۷۸ فصل چهارم: تبیین و تعیین قلمرو دین از راه شناخت اهداف رسالت و ضرورت بعثت
۷۹ ۱. طرح بحث و نیاز بشر به دین
۸۲ ۲. هدف بعثت پیامبران تکامل انسان:
۸۲ ۲-۱. فارابی:
۸۳ ارزیابی:
۸۴ ۲-۲. دیدگاه ابن سینا به نحو کامل ترا از زبان ملاصدرا:
۸۵ تقریر استدلال:
۸۶ ۲-۳. دیدگاه علامه طباطبایی
۸۷ توضیح استدلال:
۸۹ ارزیابی:
۹۲ ۳. حکمت و لطف خداوند زمینه ساز تکامل انسان
۹۲ ۳-۱. تقریر این استدلال:
۹۳ ارزیابی:
۹۶ ۴. دعوت به توحید و پرستش خدای یگانه:
۹۸ ۵. آگاهی دادن و دعوت کردن به آخرت:
۹۹ ۶. تعلیم و تربیت مردم:
۱۰۰ ۷. دعوت به حیات انسانی:

۸. اتمام حجّت: ۱۰۱
۹. هدایت مردم: ۱۰۲
۱۰. تزکیه‌ی مردم: ۱۰۳
۱۱. آزادی انسان‌ها: ۱۰۳
۱۲. مبارزه با ظلم و فساد: ۱۰۴
۱۳. امر به معروف و نهی از منکر: ۱۰۵
۱۴. قضاوت براساس قوانین الهی: ۱۰۵
۱۵. تحقق عدالت اجتماعی از مهم‌ترین اهداف دین و رسالت است: ۱۰۶
۱۶. ایجاد تعاون و همکاری: ۱۰۷
۱۷. اجتماع از نظر اسلام: ۱۰۸
- ۱۷ - ۱. رابطه‌ی فرد با اجتماع از نظر اسلام: ۱۱۰
- ۱۷ - ۲. ثبات و دوام روش اجتماعی اسلام: ۱۱۱
- ۱۷ - ۳. تأمین سعادت زندگی در عصر حاضر از نظر اسلام: ۱۱۳
- ۱۷ - ۴. ضمانت اجراء و تداوم قانون اسلام: ۱۱۴
۱۸. قلمرو دین در عرصه‌ی دنیا و نفی سکولاریسم: ۱۱۶
- نتیجه این که: ۱۲۱
- فصل پنجم: قلمرو دین در عرصه‌ی انسان‌شناسی ۱۲۳**
۱. پیشینه‌ی اجمالی انسان در قرآن و علت نیاز آنان به دین ۱۲۴
۲. طرح و جایگاه بحث ۱۲۵
۳. بحران انسان‌شناسی ناشی از ضعف دانش بشر ۱۲۶
۴. اهمیت و ضرورت انسان‌شناسی دینی از منظر دیگر ۱۲۷
۵. معنای انسان‌شناسی ۱۲۹
۶. انسان‌شناسی عرفانی ۱۳۱
۷. انسان‌شناسی و انسان‌سازی ارزشی ۱۳۱

۱۳۴	۸. انسان‌شناسی فلسفی.....
۱۳۵	۹. انسان‌شناسی ملاصدرا.....
۱۳۷	ارزیابی.....
۱۳۸	۱۱. انسان‌شناسی دینی با توجه به آیات.....
۱۳۹	۱۲. ارتباط انسان با خویشتن.....
۱۴۰	۱۳. شناخت حقیقت انسان در قلمرو دین.....
۱۴۴	۱۴. مقام و ارزش انسان.....
۱۴۵	۱۵. کرامت انسان.....
۱۴۸	۱۶. ارتباط انسان با خدا.....
۱۵۰	۱۷. راه‌های رسیدن به این مقام از شناخت:.....
۱۵۱	۱۸. ارتباط انسان با هموعان.....
۱۵۳	۱۹. ارتباط انسان با جهان و طبیعت.....
۱۵۷	فصل ششم: تبیین و تعیین قلمرو دین از راه شناخت رابطه‌ی علم و دین.....
۱۵۸	۱. ضرورت بحث.....
۱۵۹	۲. نسبت علم و دین به لحاظ موضوع.....
۱۶۰	۳. تصویر از تصور علم دینی.....
۱۶۱	۴. دیدگاه‌ها درباره ملاک دینی بودن علوم و قلمرو دین در عرصه‌ی علوم.....
۱۶۲	۴-۱. دیدگاه استاد مطهری.....
۱۶۳	۴-۲. دیدگاه علامه محمد تقی جعفری:.....
۱۶۶	۴-۳. دیدگاه استاد مصباح:.....
۱۶۷	۴-۴. دیدگاه استاد جوادی آملی.....
۱۶۸	۵. عدم تعارض علم و دین راه برای طرح قلمرو دین در عرصه‌ی علم.....
۱۷۱	۶. فعالیت‌های علمی و اهداف آن:.....
۱۷۲	۷. علم به لحاظ تأثیر و عالم به لحاظ انگیزه:.....

-
-
۸. تأثیر اصول و پیش فرض‌ها و پیش دانسته‌های دینی در انگیزه‌ی عالمان ۱۷۵
۹. نگاه به آیات و روایات ۱۷۹
۱۰. نتیجه‌گیری ۱۸۲
۱۱. کتابنامه: ۱۸۴

فصل اوّل:

کلیات و طرح تحقیق

سابقه و ضرورت انجام تحقیق

از دیرباز تا به امروز - در غرب و شرق - مسأله انتظار بشر از دین و قلمرو آن در بستر دین پژوهی بگونه‌های مختلف و تحت عنوان‌های گوناگون، مطرح بوده است؛ این مسأله در گذشته در ضمن مسائلی چون منشأ پیدایش دین، و علت گرایش انسان به دین و نیازمندی بشر به آن و ضرورت بعثت پیامبران و مدینه فاضله انسان... طرح می‌شد، از دوره رنسانس به این سو، این باور آرام آرام رویید که خاستگاه و جایگاه و جریان گاه دین کجاست؛ و تأثیر دین در بستر زندگی انسان تا کجا است. در میان متفکران اسلامی از سالهای اخیر، این مسأله در ضمن پرسش‌های مختلفی دین پژوهان را بیش تر بخود مشغول داشته است؛ پرسشهایی چون:

انتظار بشر از دین چیست؟ و انتظار دین از بشر چیست؟ آثار سازنده دین در عرصه‌های گوناگون چیست؟ اهداف و قلمرو دین، و یا حیطه دخالت دین در عرصه‌های گوناگون زندگی تا چه حدود است؟ یا دین به کدام نیازهای انسان پاسخ می‌دهد؟ آیا برای تامین سعادت اخروی انسان آمده است یا آبادانی دنیای انسان را نیز بیان داشته و در این زمینه نیز تدبیرهایی اندیشیده است؟ حتی پرسش‌هایی چون علم و دین، عقل و دین، عقل و ایمان، و سکولاریزم بگونه‌ای با قلمرو دین در ارتباط است، گر چه هر کدام پاسخ خویش را به تناسب نیازها و ماهیت‌های خود می‌طلبند. از این رو، پرسش قلمرو دین، جامع‌ترین پرسش و دغدغه در عرصه دین پژوهی و کلام جدید است که این رساله عهده‌دار بررسی آن شده است قلمروشناسی یعنی تعیین حدود مسئولیت‌های دین، و چون دینداری کامل بدون شناخت حدود و اهداف آن ممکن نیست؛ تعیین قلمرو دین ضرورت می‌یابد.